



عنوان:

# تحریم متقابل نفتی آمریکا و کشورهای پشتیبان از طریق تنگه هرمز

نویسنده:

دکتر جواد محمد قلی نیا

( مدرس دانشگاه و مدیر ارشد تحقیقات )

## تحریم متقابل نفتی آمریکا و کشورهای پشتیبان از طریق تنگه هرمز

مقام معظم رهبری در چندین روز پیش، وضعیت کشور در تحلیل میدان نیروی جهانی را به وضعیت امت اسلامی در بدر و خیبر تشبیه نموده و به صراحت مقایسه وضعیت کشور در شرایط تشدید تحریم به شیب ابوطالب را رد کردند. از طرف دیگر با وجود آنکه کشور جمهوری اسلامی ایران، کشوری صلح جو بوده و خواهان تعالی سایر کشورها و تمدن بشری می باشد متأسفانه بنظر می رسد برخی از اشخاص داخلی و خارجی اهمیت فرمایشات معظم له را به حد کافی درک نکرده و تصویری دو قطبی (یا جنگ یا دادن امتیاز) از بحث تشدید تحریم های احتمالی دارند. بر این اساس، لازم خواهد بود با نگاهی پدیدار شناسانه اقدام به تحلیل این مسئله از زوایای مختلف گردد. بدیهی است محدودیت های اطلاعاتی موجود، اکتشافی بودن جنبه هایی چند از مسئله، وزن پذیری نابرابری مولفه های دخیل در تحلیل مسئله و غیره، باعث ارایه برداشت های مختلفی از بحث شده و تجمیع چنین نظریه پردازی هایی، بستر را جهت درک مطلوبتر بیانات مقام معظم رهبری فراهم خواهد ساخت. نوشتار حاضر بر اساس تحلیل های سلسله مراتبی ارایه شده، نتیجه می گیرد که با وجود آنکه هیچ جنگی بین ایران و آمریکا در نخواهد گرفت، اما آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای طی گام های سه گانه فعالیتی در قالب برنامه تحریم متقابل آمریکا و کشورهای پشتیبان وی، شامل فعالیت حقوقی - قانونی، فعالیت چند جانبه گرایی موثر و در نهایت و به اجبار شرایط، برنامه ریزی برای مقابله نظامی همه جانبه، بسترهای تثبیت جایگاه و چه بسا ختم واقعی بحث تحریم های احتمالی را سبب شود.

باید توجه داشت که تمامی نظرات ارایه گردیده در نوشتار حاضر، نظرات شخصی محقق و تشریح زاویه دید فردی بوده و ارتباطی به مواضع رسمی فعلی یا آتی اتخاذ شده توسط جمهوری اسلامی ایران نخواهد

داشت. نوشتار حاضر در چند مرحله اقدام به تشریح بیشتر مسئله و ارایه توضیحاتی مستند در اینخصوص نموده و هدف اصلی مقاله، شفاف سازی بیشتر امکانات و وضعیت و موقعیت های خطر، کاهش تردیدها و توسعه اراده های حاکمیتی، مدیریتی و شهروندی در جمهوری اسلامی ایران و آشکار سازی آسیب های احتمالی برای طرف های خارجی درگیر می باشد.

### (۱) تفسیر پیام مقام معظم رهبری:

بررسی و تحلیل پیام صادره توسط مقام معظم رهبری و تشبیهات صورت پذیرفته توسط معظم له، نشان می دهد که آحاد جامعه بشکل عام و خواص جامعه بشکل ویژه باید متوجه دو موضوع مهم باشند. اول این که در آینده ای نزدیک، شاید اولین رویارویی و مقابله همه جانبه لشکر کفر و دین بوقوع بپیوندد و دوم این که با یک حرکت ظریف ولی کاملاً حساب شده، قلعه ظاهراً نفوذ ناپذیر خیبر (در اینجا منظور برنامه تحریم جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا و سایر کشورهای پشتیبان وی است) برای همیشه قابل فتح خواهد بود.

### (۲) شرایط جغرافیایی تنگه هرمز و صادرات نفت خام از این تنگه:

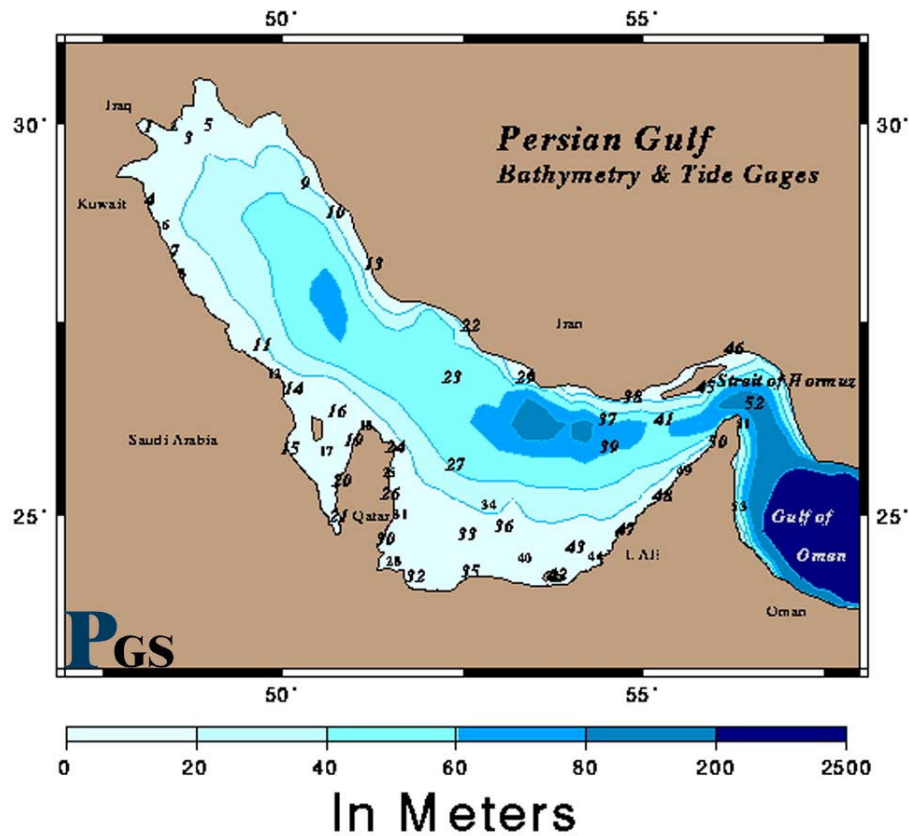
بنظر می رسد، برداشت های دو قطبی بوجود آمده در برخی از افراد داخلی، ناشی از کم اطلاعی آنان از شرایط سوقی الجیشی تنگه هرمز و عرضه و تقاضای نفت باشد، لذا در ابتدای نوشتار حاضر، اقدام به شفاف سازی شرایط تنگه هرمز و صادرات نفت از این تنگه می گردد.

**الف) شرایط تنگه هرمز:** علی رغم وجود حدود ۱۰۰ تنگه و کانال معروف در دنیا، غالب آنها از نظر وضعیت کشتیرانی، عمق و جریان آب، فاقد موقعیت مناسب و یا موقعیت سوق الجیشی می باشند. این در حالی است که تنگه هرمز دومین تنگه مهم و پر تردد دنیا محسوب می شود. طول تنگه هرمز حدود ۱۸۰ کیلومتر و عرض آن در طولانی ترین موقعیت ۸۴ کیلومتر (از کرانه بندر عباس کشور ایران تا شمالی ترین نقطه کرانه مسندم در جنوب و مربوط به کشور عمان) و در کمترین موقعیت در حدود ۳۹ کیلومتر (از جزیره لارک ایران تا جزیره السلامه یا قوئین بزرگ مربوط به کشور عمان) می باشد. عمق آب بدلیل شیبی

که به سمت کشورهای عمان وجود دارد در حوالی جزیره لارک ۳۶ متر و در نزدیکی شبه جزیره مسندم در حدود ۱۸۰ متر است. بدلیل قوس شمالی تنگه که بطرف دورن فلات ایران است، بیشترین خط ساحلی آن مربوط به کرانه‌های جمهوری اسلامی ایران می‌گردد.

هفت جزیره استراتژیک ایرانی هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی در منطقه محدودی در دریای عمان و خلیج فارس بصورت قوسی (معروف به کمان دفاعی ایران)، اطراف این تنگه قرار گرفته‌اند. از نظر حقوق حاکم بر راه‌های آبی بین المللی (تنگه‌ها، کانال‌ها و رودخانه‌ها) و مصوبات موجود، تنگه هرمز جزو تنگه‌های بین المللی دارای شرایط حق عبور بی‌ضرر (در مقابل حق عبور ترانزیتی) است. در این حالت، حق عبور آزاد هوایی بدون اجازه کشورهای مالک تنگه بر فراز این تنگه‌ها وجود نداشته، زیر دریایی‌ها در هنگام عبور از تنگه باید به سطح آب آمده و در کل قواعد حرکت در تنگه، تابع قواعد و قوانین وضع شده توسط کشور یا کشورهای واقع در طرفین تنگه خواهد بود (ماده ۳۸-۱۷ کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲ جامائیکا / مواد ۲۳-۱۴ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو و غیره).

بر اساس توضیحات ارایه شده در خصوص تنگه هرمز، کشورهای ایران و عمان، هر یک ادعای مالکیت ۱۲ مایل دریایی (هر مایل ۱۸۵۳ متر) مالکیت سرزمینی در تنگه هرمز را دارند که با توجه به عرض کم ۲۱ مایلی (در کم‌ترین پهنای تنگه)، با نوعی تداخل ارضی مصالمت آمیز ۳ مایلی (۵/۵ کیلومتری) مواجه می‌باشند. در شرایط حاضر، دو مسیر دریایی موازی جهت حرکت شناورهای سطحی و زیرسطحی در تنگه هرمز تعریف شده که شامل مسیر شمالی (مسیر واقع در مرزهای ایران و عمان) و مسیر جنوبی (مسیر واقع در بین جزایر قوئین بزرگ و کوچک) می‌باشد (در مسیر جنوبی عمق آب بیشتر بوده اما مسیر ناهموار تر و دارای موانع صخره ای بیشتری نسبت به مسیر شمالی است).



[www.Persiangulfstudies.com](http://www.Persiangulfstudies.com)

[Info@persiangulfstudies.com](mailto:Info@persiangulfstudies.com)

### THE TOPOGRAPHY AND BATHYMETRY OF THE STRAIT OF HORMUZ



ب) شرایط تولید، مصرف و انتقال نفت خام از تنگه هرمز: پس از معرفی جغرافیایی و حقوقی وضعیت تنگه هرمز، نوبت به آگاهی از وضعیت مصرف، تولید و انتقال حامل‌های انرژی (نفت خام) می‌رسد. با توجه به آمارهای ارایه شده در سال ۲۰۰۶، حدود یک پنجم نفت خام مصرفی دنیا از تولیدات کشورهای حاشیه خلیج فارس (شش کشور جمهوری اسلامی ایران ۱۷ درصد تولید، عربستان با ۳۰ درصد تولید، عراق ۱ درصد تولید، کویت با ۱۲ درصد تولید، قطر با ۱۱ درصد تولید و امارات متحده عربی با ۲۹ درصد تولید) صورت گرفته و روزانه بالغ بر ۱۸ میلیون بشکه نفت خام از این منطقه به سایر کشورها صادر می‌گردد. در این بین، ۱۷ میلیون بشکه از نفت تولیدی از طریق نفت کش‌های بزرگ و از طریق دریا (تنگه هرمز) انتقال یافته و حدود یک میلیون بشکه از طریق خط لوله منتقل می‌گردد (بطور متوسط در هر ده دقیقه یک کشتی غول پیکر از تنگه هرمز عبور می‌کند).

در این بین، صادرات نفت خام کشور جمهوری اسلامی ایران، روزانه در حدود ۲/۵ میلیون بشکه بوده که تماماً از طریق تنگه هرمز صورت می‌پذیرد. مقاصد صادراتی ایران نیز شامل آفریقای جنوبی (۸۰ هزار بشکه)، ژاپن (۳۲۷ هزار بشکه)، چین (۵۵۰ هزار بشکه)، کره جنوبی (۲۲۸ هزار بشکه)، ترکیه (۱۹۶ هزار بشکه)، هند (۳۱۰ هزار بشکه)، سایر کشورهای آسیایی (۲۴۰ هزار بشکه)، کل اروپا (در حدود ۶۰۰ هزار بشکه) می‌باشد. در واقع ۷۳ درصد نفت جمهوری اسلامی ایران به آسیا، ۲۴ درصد به اروپا و حدود ۳ درصد به آفریقا صادر می‌شود. تولید کشور عربستان در حال حاضر ۴/۱ میلیون بشکه در روز بوده که تا حدود ۹ میلیون بشکه امکان ارتقا تولید دارد (برخی از منابع میزان توان عربستان جهت ارتقا تولید نفت خام را بین ۱۰-۱۲ میلیون بشکه در روز نیز بیان کرده‌اند).

باید توجه داشت که چرخه دسترسی و استفاده از نفت خام، تنها شامل تولید و مصرف نشده بلکه بحث انتقال امن و کم هزینه، حلقه واسط بسیار مهمی در این چرخه تلقی گردیده و به قولی، مهمترین حلقه مطرح در مبادله انرژی محسوب می‌شود. همانگونه که ذکر شد در حال حاضر بالغ بر ۹۵ درصد نقل و انتقال نفت خام تولیدی حاشیه خلیج فارس از طریق تنگه هرمز صورت گرفته و در حدود ۵ درصد از

طریق خط لوله منتقل می شود (حدود یک پنجم مصرف جهانی نفت خام بشکل روزانه از این تنگه گذر می کند).

با توجه به اهمیت استراتژیک تنگه هرمز و موقعیت جمهوری اسلامی ایران، در حال حاضر دو طرح جایگزین برای تنگه هرمز توسط کشور آمریکا، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، طراحی و در نظر گرفته شده است. طرح اول، توسعه انتقال نفت خام با خط لوله از طریق کشورهای عربستان، اردن و سرزمین اشغالی به دریای مدیترانه بوده و طرح دوم، ساخت کانالی (به طول ۱۸۰ کیلومتر و با هزینه ای در حدود ۳۰۰ میلیارد دلار) در درون امارات متحده عربی (دوبی) و گذر از کشور عمان جهت انتقال نفت از خلیج فارس به دریای عرب (دریای عرب به اقیانوس هند و خلیج عدن متصل است) می باشد. برآوردهای کارشناسی نشان می دهند که اجرا و پیاده سازی هر دو طرح بسیار پرهزینه بوده، کارآمدی لازم جهت انتقال حجمی بالاتر از ۲-۳ میلیون بشکه در روز را نداشته، بحث حفظ امنیت آنها بشدت جای سوال داشته و در نهایت در کمتر از سه سال آینده امکان عملیاتی شدن و بهره برداری این طرح ها وجود ندارد.

### ۳) تحلیل شرایط بازیگران میدان نیروی تشدید احتمالی تحریم ها:

جهت تحلیل شرایط و سناریوهای احتمالی تشدید تحریم ها لازم خواهد بود در ابتدا وضعیت کلی کشورهای مطرح در میدان نیروی ترسیمی، تحلیل شده و سپس اقدام به تشریح وضعیت طرح پیشنهادی (طرح تحریم نفتی متقابل بعنوان اهرمی بازدارنده و هدایت کننده) شود.

**الف) شرایط آمریکا:** سیاست فعالیت آمریکا در دو دهه اخیر پیرو رویکرد چند جانبه گرایی است در این رویکرد، ایالات متحده آمریکا ضمن حفظ رابطه مستقل و خاص خود با تک تک کشورها (حفظ و تداوم دو شیوه تعامل در قالب هژمونی و تعامل در قالب رویکرد موازنه قوا)، نوعی رابطه جمعی نیز با هدف

افزایش امنیت فعالیت و ارتقا سطح مشروعیت تصمیمات (خصوصاً تصمیمات مطرح در سطوح بین المللی) در پیش می گیرد. رابطه آمریکا با کشورهای اروپایی (اتحادیه اروپا)، رابطه آمریکا با برخی از کشورهای تولید کننده نفت و عضو اپک (نظیر عربستان)، رابطه آمریکا با کشورهای خریدار نفت مصرفی از ایران (نظیر ژاپن و هند)، رابطه آمریکا با برخی سازمان ها و گروه های مردم نهاد (نظیر گروه آمریکایی غیر انتفاعی اتحاد علیه ایران هسته ای UNAI) از این نوع می باشد.

مصرف مستقیم نفت خام کشور آمریکا از تولیدات کشورهای حاشیه خلیج فارس، بشدت کم بوده و خرید نفت خام عموماً در قالب تجارت شرکت های بین المللی آمریکایی (مستقر در سایر کشورها) صورت می پذیرد. حمایت شدید آمریکا از رژیم اشغالگر قدس نیز نوعی سوپاپ اطمینان و اهرم واسط جهت کنترل کشورهای عربی، عامل مقابله با تهدیدات نفوذ کشور روسیه و همانند آنها است (بر این اساس، بسیاری از تحلیلگران سیاسی رژیم اشغالگر قدس را به هیچ وجه در توابع تحلیلی خود بعنوان عامل مستقل مد نظر قرار نداده و تنها شرایط کشور آمریکا را تحلیل می کنند). از نظر مشروعیت بین المللی نیز، عملکرد کشور آمریکا در حوزه خاورمیانه (خصوصاً عراق، افغانستان و پاکستان) بشدت زیر سوال بوده و فاقد اعتبار کافی است.

**ب) شرایط کشورهای پشتیبان آمریکا در رویکرد چند جانبه گرایی:** کشورهایی که ایالات متحده آمریکا بنوعی تمایل به افزایش همگرایی یا انتظار جهت همراهی دارد را می توان در چند گروه، مورد بحث و بررسی قرار داد. کشورهای نسبتاً مستقل خریدار نفت از ایران نظیر هند، ترکیه و کره جنوبی، کشورهای هم پیمان فعلی با آمریکا نظیر ژاپن و کشورهای اتحادیه اروپا، کشور روسیه (بشکل مستقل تحلیل می شود) و در نهایت بحث سایر کشورها.

رویکرد کشور ترکیه کاهش تنش با سایر کشورها (خصوصاً کشورهای همسایه) بوده و به احتمال زیاد سیاست کج دار و مریز را تا انتها دنباله گیری خواهد کرد و روابط متقابل حتی با وجود تشدید تحریم ادامه خواهد یافت. بنظر می رسد که کره جنوبی، به راحتی وارد جانبداری های سیاسی نخواهد شد و روابط نسبتاً پایدار خود با جمهوری اسلامی ایران را خصوصاً در حوزه اقتصادی ادامه می دهد. تجارب

نشان می دهند که کشور هند بدلیل نیازمندی به حمایت های مالی بلاعوض یا مدت دار آمریکا، شریک تجاری مطمئنی در میان و بلند مدت نخواهد بود (در کوتاه مدت روابط را حفظ می کند). در خصوص کشور ژاپن باید بیان داشت که احتمالاً این کشور قصد میدان داری با دست پر و همنوایی با کشور آمریکا را دارد، لذا به احتمال بالا، رویکرد سردی و بی میلی در ارتباط اقتصادی و روابط دیپلماتیک را در پیش می گیرد (شاید در خوش بینانه ترین حالت، روابط اقتصادی محدود با محوریت شرکت های بین المللی ژاپنی را بتوان تا حدی از این امر مستثنی کرد). تجارب در خصوص کشورهای اتحادیه اروپا نشان می دهد که در صورت عدم پاسخگویی مناسب و معقول توسط جمهوری اسلامی ایران، نوعی قهر و کناره گیری همراه با سیاست وارد کردن فشار غیر مستقیم تا مستقیم، توسط این کشورها دنبال می شود. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران می تواند با کاهش و حتی قطع روابط رسمی و غیر رسمی خود با چند کشور معلوم الحال، روابط خود با سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تداوم دهد. روسیه با توجه به رویکرد تاریخی خود در سیاست خارجه از راهبرد دوستی - رقابت (نان - آتش) پیروی می کند و در واقع ضمن هم پیمانی با جمهوری اسلامی ایران، ممکن است به منظور افزایش بیشتر منافع، روی ایران با طرف ثالثی، وارد معامله نیز شود (از دیدگاه نویسنده، این سیاست تنها برای وضعیت حاضر نبوده و قابل تعمیم به کل روابط دیپلماتیک کشور روسیه با سایر کشورها نیز است). اما در شرایط حاضر و بحث تشدید تحریم ها باید بیان داشت که، کشور ایران برای روسیه تنها ارزش تجاری - اقتصادی نداشته و حتی قدرت گیری کشور ایران برای روسیه بهتر از حالت انفعال و تابعیت احتمالی از آمریکا است و این واقعیت استراتژیک، فرصت معامله مضاعفی را برای کشور ایران با روسیه فراهم می کند.

کشور چین نوعی قدرت منطقه ای و بین المللی مستقل و نیازمند رشد بالای اقتصادی محسوب می شود که کمتر به جریانات بین المللی واکنش جهت دار و تابعیتی نشان داده و می توان روی تعاملات با این کشور حساب بیشتری باز نمود.

**ج) شرایط منطقه خاورمیانه و سایر کشورها:** خاورمیانه (خصوصاً کشورهای عربی) با انواع ناآرامی ها و انقلاب روبرو بوده و فاقد ثبات لازم می باشند. نوعی بیدار ملی - مذهبی و سیاسی - مدنی در غالب

کشورهای عربی در جریان است. برخی از کشورهای بظاهر با ثبات نظیر عربستان، دارای پتانسیل های بالای انفجار از درون بدلیل ضعف و خلا قدرت ایجاد شده از بیماری پادشاه فعلی می باشد (تاکید می گردد که مسلما کشور عربستان در آینده ای نزدیک شاهد رویداد انفجار از درون خواهد بود چرا که تحلیل های موجود نشان دهنده رسیدن به نقطه غیر قابل بازگشت یا شکننده در بدیل های قدرت و بحث جانشینی پس از پادشاه فعلی است). جهت تحلیل شرایط کشورهای خاور میانه و سایر کشورها، توجه به شرایط کشورهای افغانستان، پاکستان، عراق، لبنان، سوریه از یکطرف و کشورهای حاشیه خلیج فارس و کشورهای دچار انقلاب عربی از طرف دیگر قابل توجه است که در هر شرایطی، کارت برنده در دست جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

**(د) شرایط کشور ایران:** شرایط کشور ایران را باید از چند جنبه منابع و امکانات، رویدادها و شرایط داخلی، موقعیت و شرایط منطقه ای و شرایط بین المللی با توجه به متغیر زمان (کوتاه، میان و بلند مدت) مورد بحث و بررسی قرار داد. از نظر منابع و امکانات، شرایط کشور به گونه ای است که حتی با تحریم های همه جانبه کشور در حوزه های مختلف، جمهوری اسلامی ایران می تواند بین ۳-۱ سال با کمترین مشکل به فعالیت ادامه دارد و آسیب پذیری نخواهد داشت. برنامه ها و رویکردهای داخلی نظیر برنامه ریزی با رویکرد اسلامی - ایران، برنامه ششم توسعه، ایران افق ۱۴۰۴، قانون سیاستهای اصل ۴۴، تغییرات آینده نزدیک در حوزه مدیریت میانی و عملیاتی و سایر تغییرات مرتبط، فضای رضایتمندی عمومی را ارتقا می دهد، یکپارچگی نظام حکومتی و حاکمیتی با شدت بیشتری دنباله گیری می شود، پیوند ملموس تر نخبگان و مشارکت بیشتر آنها در قالب نوعی سامانه مدیریت مشارکتی در حال اجرا شدن می باشد و در کل انقلاب اسلامی گذار به دوره ثبات و تعمق را طی می کند، در خصوص موقعیت منطقه ای و بین المللی شاهد در پیش گیری راهبردهای اطلاعاتی - امنیتی فعال، حضور موثرتر با رویکردی یکپارچه و چند جانبه در سطوح منطقه ای و بین المللی، حضور قانونی - حقوقی در سطوح بین المللی، تعامل با سایر کشورها با توجه به سطح شایستگی های آنها نه به اجبار، توانمندی لازم برای جهت دهی به جریانات منطقه ای و بین

المللی، توانمندی طرد عملکردها و رفتارهای غیر بشر دوستانه و ستیزه جو و استعماری صورت گرفته توسط برخی از کشورها و نظایر آنها می باشیم.

#### ۴) تحریم متقابل نفتی آمریکا و کشورهای پشتیبان، از طریق تنگه هرمز:

تحلیل رفتارها و عملکرد آمریکا و کشورهای پشتیبان در چند مدت اخیر، نشان دهنده از حد گذاری آنان با رویکردی به ظاهر قانونی و مشروعیت سازی ظاهری با ابزارهای رسانه ای و لابگری با هدف خسته سازی تدریجی جمهوری اسلامی ایران جهت تامین منافع استعماری خود است. تشدید تحریم ها، تحریم خطوط کشتیرانی، تحریم بانک مرکزی، ترور نخبگان علمی - اجرایی (با تاکید بر حوزه انرژی اتمی)، بهانه تراشی و تلاش جهت درگیر سازی کشور ایران در مناقشات هسته ای، سیاه نمایی حوزه حقوق بشر در ایران، سیاه نمایی وضعیت آزادی های مردمی، سیاه نمایی وضعیت اقتصادی و سایر موارد، برخی از مهمترین ادله مداخله گری جهت دار و غیر قابل تحمل ایالات متحده آمریکا در خصوص جمهوری اسلامی ایران است. چنانچه واکنش مناسب به این حرکات در قالب دفاع مشروع بازدارنده و پیشگیرانه با پذیرش کلیه هزینه های احتمالی صورت نپذیرد، مسلما حرکات ایضایی و غیر منصفانه کشور آمریکا در خصوص جمهوری اسلامی ایران ادامه خواهد داشت. در واقع در صورت عدم موضع گیری شفاف و راسخ جمهوری اسلامی ایران در برابر آمریکا، دخالت های ایالات متحده در شرایط جمهوری اسلامی ایران، تا سر حد امور مبتذلی همانند سو استفاده از افکار عمومی مردم آمریکا و تقویب محبوبیت های حزبی، در جریانات انتخاباتی ادامه خواهد یافت.

در چنین شرایطی، بهترین راهکار مقابله ای جمهوری اسلامی ایران، بجای انفعال و عقب نشینی، مداخله گری فعال در بازی از پیش طراحی شده و خاموش سازی جریان استعماری برای همیشه خواهد بود. مسلما چنین فعالیتی بدور از پیامد نبوده و از ابتدا می بایست پیامدهای احتمالی کار تحلیل شده و مد نظر باشد. بر این اساس، سناریوهای احتمالی تحریم متقابل را می توان در سه گام بشرح زیر، تعریف و ارایه نمود:

**\* گام اول) رویکرد قانونی - حقوقی:** در این سناریو، جمهوری اسلامی با توجه به حق قانونی خود بر تنگه هرمز و عبور بی ضرر شناورها از این آبراهه و با توجه به مصوب سازی یکسری قوانین تامین کننده منافع ملی در مجلس ( مثلاً قانون تداوم عضویت در اپک به شرط خرید متناسب نفت از کشورهای عضو به نسبت سطح تولید توافق شده توسط سایر کشورها و یا هر قانون دیگری)، وارد میدان می شود. پیشنهاد می شود که در قوانین مورد بحث (حتی بشکل یکجانبه) بیان گردد که پذیرش و تمکین به الزامات بین المللی خصوصاً در تامین انرژی پایدار برای سایر کشورها (از نظر حجم و قیمت)، وابسته به تعهد متقابل سایر کشورها به تامین منافع جمهوری اسلامی ایران است (سبد اشتراکی). با چنین مصوباتی امکان واکنش یکجانبه را کاهش داده و در صورت عدم پذیرش این قانون در سطوح بین المللی، عبور هر شناور نفتی از مسیر شمالی تنگه هرمز، با مطالبه عوارض بسیار بالا همراه گردد (آب های سمت ایران). این امر مسلماً قیمت جهانی نفت خام را، تا یک سوم قیمت فعلی بالا می برد (قانون مطرح شده در حد نوعی پیشنهاد بوده و قوانینی از این دست که بشکل پخته تری طرح شده باشند را می توان در دستور کار مجلس قرار داد). ارایه و تصویب چنین قوانینی می تواند قدرت چانه زنی جمهوری اسلامی را نیز افزایش داده و حتی در سطوح بین المللی، مسکوت گذاشتن تصویب قانون توسط مجلس شورای اسلامی را می توان مشروط به تامین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران توسط سایر کشورها نمود.

**\* گام دوم) رویکرد دور زدن تحریم فعلی با تقویت چند جانبه گرایی منطقه ای:** در این سناریو، جمهوری اسلامی ضمن پیاده سازی سناریوی اول، ارتباط خود با کشورهای چین، روسیه، افغانستان، پاکستان، ترکیه و عراق را بشدت تقویت می نماید. عامل تقویت روابط نه بر اساس حراج منافع ملی بلکه بواسطه تامین امنیت منطقه ای و یا عامل توسعه تعاملات پایدار اقتصادی (مبتنی بر بازی برد - برد) خواهد بود.

**\* گام سوم) در صورت اجبار، مقابله نظامی و بستن نظامی تنگه:** کشور ایران ضمن اجرای همزمان دو سناریوی قبل در گام سوم، مجبور به بستن عملی و واقعی تنگه هرمز به روش های مختلف می شود. در این حالت، حتی احتمال مقابله نظامی نیز وجود دارد. به احتمال زیاد، نوع مقابله نظامی ایالات متحده آمریکا و

کشورهای پشتیبان، از نوع درگیری در دریا، حمله به تاسیسات نفتی، حمله محدود به شهرهای ساحلی با هدف ایجاد وحشت در شهروندان ایرانی و فشار به دولت برای ختم جنگ، حمله محدود موشکی یا هوایی به پایتخت، حمله چند جانبه به برخی تاسیسات استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و حتی ورود غافلگیر کننده رژیم اشغالگر قدس در این بازی باشد. در صورت وقوع چنین سطحی از برخورد نظامی، جمهوری اسلامی ایران می بایست بدون کمترین تأمل و تعلل، اقدام به حملات چند جانبه نماید. پاسخ متقابل و همه جانبه موشکی به شناورهای حاضر در خلیج فارس و دریای عمان، حمله موشکی همه جانبه به پایگاههای منطقه ای آمریکا (حتی در خاک کشور ثالث)، حمله هشدار داده شده به منافع اقتصادی آمریکا در منطقه و بیرون از منطقه، حمله همه جانبه و ویران کننده به هم پیمانان آمریکا در منطقه (خصوصاً رژیم اشغالگر قدس) بشکل مستقیم یا غیر مستقیم و از طریق هم پیمانان جمهوری اسلامی ایران و در نهایت در صورت حمله موردی یا همه جانبه آمریکا به سه موقعیت خاص (حمله به تاسیسات نفتی و صنایع راهبردی، حمله موردی به شهرهای ساحلی و حمله موردی به پایتخت)، حمله مستقیم موشکی و غیر مستقیم چریکی در خاک آمریکا می بایست دنباله گیری شود.

اهمیت حمله مستقیم و آغاز جنگ در خاک ایالات متحده آمریکا (تاکید می گردد ، در صورت حمله اولیه کشور آمریکا به سه حوزه تشریح شده) آنقدر مهم است که شاید بتوان یکی از علل شکست آلمان در جنگ جهانی دوم را بواسطه آن توجیه کرد. مصون ماندن خاک آمریکا از حملات مستقیم آلمانی ها، از جمله عوامل موثر بر کم توجهی و ساده پنداری ایالات متحده آمریکا به پیامدهای حملات مستقیم نظامی به سایر کشورها است.



## ۵) پیامدهای احتمالی وقوع درگیری:

تصور غالب آمریکا از درگیری احتمالی پیش آمده ممکن است چیزی در حدود جنگ نفتکش ها با رویکرد مداخله محدود نظامی و درگیری بشدت کوتاه مدت دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا باشد اما داستان بشدت متفاوت از جنگ نفتکش ها خواهد بود. برخی از دلایل این امر عبارتند از:

- قدرت جنگ سایبری و توان موشکی جمهوری اسلامی ایران (حتی صدها کیلومتر دورتر از نوار ساحلی و از درون خاک کشور از استان هایی نظیر کرمان و اصفهان)، دارای برد فراملی و منطقه ای و بین المللی است. قابلیت دفاعی و تهاجمی جمهوری اسلامی ایران در این دو حوزه به میزانی است که توان مقابله میان و بلند مدت با قدرتی همانند آمریکا را خواهد داشت.
- آغاز هر چند اندک و ابتدایی این جنگ به سرعت به نوعی مناقشه بین المللی تبدیل شده و آمریکا حتی در خاک خودش هم در امان نخواهد بود. در چنین شرایطی، مسلمانان بازنده اصلی کشور آمریکا است.

- تصور اشتغال احتمالی کشور ایران به صرف رویارویی با قوای نظامی و انتظامی، بدلیل وجود هسته‌های مقاومت سه گانه (سپاه در سطح هر شهرستان، بسیج و در نهایت نیروهای مردمی با رویکرد بیگانه ستیزی تاریخی ایرانی ها) تصویری کاملاً اشتباه می‌باشد.

- فعالیت نامناسب آمریکا در هر نوعی که باشد، ممکن است بسترساز ورود جمهوری اسلامی ایران به گام سوم سناریوهای تحریم متقابل نفتی و بستن مشروط و غیر مشروط تنگه هرمز شود. از انجایی که سناریوهای سه گانه مطرح شده، سناریوهایی هم بند و متصل می باشند، بستر ساز نوعی حرکت به سمت نقطه غیر قابل برگشت بوده و مسلماً ایجاد کننده نوعی اراده ملی تامین منافع در نظام حاکمیتی، حکومتی و شهروندی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. این در حالی است که در صورت شروع سناریوهای سه گانه، مسلماً بر شهروندان کشور فشارهای اقتصادی - رفاهی چند وارد شده و کاهش این فشارها نیازمند اقدامات دولت و جریان حاکمیتی در امور زیر است:

- واقع گرایی در برآورد منابع در سطوح چند گانه مطلوب، عادی، نامطلوب، بحرانی و فوق بحرانی .

- الزام به افزایش مشارکت نخبگان در جریان برنامه‌ها و فعالیت‌ها.

- اطلاع رسانی مستمر و پایدار از اهداف دشمن و نیت وی به شهروندان.

- مراقبت و خاموش سازی جریان ضربه از درون.

- ..... .

از طرف دیگر ، رفتار شناسی مبتنی بر نشانه‌ها، سوابق عملکردی - رفتاری گذشته (تحلیل روندها و رویدادها)، تحلیل شرایط و بسترها و تحلیل گفتمان غالب دولت مردان آمریکایی نشان می‌دهد که واکنش آمریکا در مقابله با طرح برنامه سه مرحله ای تحریم متقابل نفتی توسط جمهوری اسلامی ایران، احتمالاً بصورت زیر می‌باشد:

- افزایش تهدیدهای کلامی، افزایش تحریم‌های موردی، توسعه رویه‌های تخریبی، وارد کردن ضربه های برانگیزاننده هیجانات جمهوری اسلامی و راست آزمایی و سنجش اراده های تصمیم گیران در خصوص برنامه های مربوط به بستن تنگه هرمز.

- تلاش جهت دامن زدن به نارضايتی های عمومی در ایران، تلاش جهت شکار و ترور تصمیم گیران کلیدی، تلاش جهت نفوذ در شبکه های مدیریتی و تصمیم سازی سیاسی با هدف کاهش اراده های مقابله به مثل مدیریتی.

- تقویت توجیهات مقابله با کشور ایران برای هم پیمانان خود در رویکرد چند جانبه گرایی.  
- بی تفاوت نشان دادن خود در برابر اقدامات جمهوری اسلامی ایران و مشمول کردن بحث به زمان (جهت شفاف تر شدن موضع رفتاری جمهوری اسلامی یا پیدا کردن راه های فرار در نقشه راه ترسیم شده).

- ..... .

در این بین ، برخی از کشورها نظیر روسیه بشدت اقدام به رصد کردن رویدادها نموده تا قادر به اجرای مناسب تر راهبرد رفاقت - رقابت باشند(در موقعیت حاضر با توجه به تهدید منابع ژئوپلیتیک روسیه، نوع سیاست در پیش گرفته شده رفاقت-حمایت خواهد بود)، کشور چین و ترکیه ایران را به آرامش دعوت می کنند، هم پیمانان آمریکا ایران را به عدم خرید نفت و تشدید تحریم ها تهدید می کنند، فشارهای وارده بر برخی از هم پیمانان ایران در مدت زمان تحریم، در پیش گیری سیاست سکوت و مشمول زمان کردن بحث خواهد بود و غیره. حتی ممکن است آمریکا از مواضع ظاهری خود عقب نشینی کرده و دست دوستی یکجانبه به سمت ایران دراز کند و بعید نباشد به بهانه هایی چند، امتیازاتی را نیز به جمهوری اسلامی ایران ارایه دهد.

## ۶) موقعیت بدر و خیر:

پیرو فرمایش مقام معظم رهبری، شرایط می تواند آستان اولین درگیری همه جانبه بین کفر و دین ( در قالب جنگ بدر) باشد و همچنین کندن درب خیر تنها وابسته به یک حرکت حساب شده و یکپارچه ملی و مهیاسازی نوعی اراده عمل برای تحقق آن است. اما این مرحله، اول کار و جریانات احتمالی می باشد. جریان بوجود آمده بدلیل بر هم زدن نظم منطقه ای و بین المللی، جریانی تداومی محسوب شده و جریانی

است که بشدت می بایست مراقب عقبه آن بود. تا دشمن از نقطه ضعف ایجاد شده قصد ضربه زدن مجدد را نکند.

در یک جمع بندی کلی، بر اساس تحلیل های ارایه شده، بنظر می رسد که ایالات متحده به هیچ وجه وارد چنین جریانی با حد بالای ریسک و عدم اطمینان نشده و با توجه به طرح و پیگیری بحث تحریم متقابل نفتی توسط جمهوری اسلامی ایران ( تحریم آمریکا و کلیه پشتیبانان این کشور در سطوح جهانی)، بحث تحریم های فعلی نیز نه تنها تشدید نشده بلکه کاهش تدریجی پیدا می کنند. این امر در صورتی تحقق می پذیرد که ضربه اول و سطح یک تحریم آمریکا و هم پیمانان وی در قالب ابعاد حقوقی و قانونی به فوریت دنباله گیری شود.